



جلسه: ۱۱۵
تاریخ: ۱۴۰۴/۱۰/۱۶

درس: نظام اقتصادی اسلام
موضوع: منابع مالی حکومت اسلامی
استاد: علی عندلیبی دام ظلّه

بسم الله الرحمن الرحيم

منابع مالی حکومت اسلامی

منبع هفتم: خمس

هفتمین منبع از منابع مالی مطرح شده برای حکومت اسلامی، اموالی است که تحت عنوان «خمس» پرداخت می‌شود.

مبانی مربوط به خمس

در بحث منبع مالی بودن خمس برای حکومت اسلامی، بیان شد که دیدگاه‌های مختلفی درباره خمس وجود دارد.

مبنای اول: بدون مالک بودن خمس

یکی از نظریات و دیدگاه‌های فقها درباره خمس این است که امر وحدانی و مالی بدون مالک است که در اختیار امام علیه السلام و ولیّ امر قرار دارد. امام خمینی درباره خمس تعبیر کرده‌اند که خمس در اختیار خداوند متعال، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امام علیه السلام قرار دارد و این سه گروه، ولیّ امر خمس هستند. طبق این نظریه، روشن است خمس که در اختیار ولیّ امر قرار می‌گیرد، جزو منابع حکومت اسلامی است. البته اینکه این مطلب اختصاص به حکومت معصوم علیه السلام دارد و یا اینکه حکومت غیرمعصوم نیز این چنین است، بحث دیگری است، اما اصل اینکه خمس جزو منابع مالی حکومت اسلامی است، طبق این مبنا روشن است.

در مباحث پیشین این نظریه به تفصیل مورد بررسی قرار گرفته و ادله آن مورد مناقشه قرار گرفت.

مبنای دوم: ملک منصب بودن خمس

مبنای دوم در ارتباط با خمس این است که خمس امر وحدانی و ملک منصب حکومت است. بر اساس این نظریه، حرف لام که در آیه شریفه «وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ»^۱ به کار رفته، ظهور در ملکیت خداوند متعال، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ذی القربی دارد. بنابراین خمس امر وحدانی است که کل آن، ملک خدای متعال است و در طول خداوند متعال، ملک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و در طول ایشان، ملک ذی القربی است که مقصود از آن، امام علیه السلام است. در رابطه با امام علیه السلام نیز ظاهر این است که ملک شخصی ایشان نیست، بلکه ملک منصب امامت است؛ چون در روایاتی بیان شده است که خمس از یک امام علیه السلام، به ورثه ایشان به ارث نمی‌رسد، بلکه به امام بعدی می‌رسد و یا اینکه در برخی روایات نیز بیان شده است که اگر خمس از نیاز یتیمان، مساکین و ابناء السبیل بیشتر باشد، متعلق به امام علیه السلام خواهد بود و در صورتی که کمتر از نیاز آن‌ها باشد، بر امام علیه السلام لازم است که مقدار کمبود را جبران کند. در برخی روایات همچون مرسله حماد نیز به صراحت از تعبیر «والی» استفاده شده و در روایت تفسیر نعمانی نیز خمس، وجه الإماره دانسته شده است. بنابراین خمس ملک شخصی امام علیه السلام نیست بلکه ملک منصب ایشان است.

۱. الأنفال: ۴۱.



جلسه: ۱۱۵
تاریخ: ۱۴۰۴/۱۰/۱۶

درس: نظام اقتصادی اسلام
موضوع: منابع مالی حکومت اسلامی
استاد: علی عندلیبی دام ظلّه

تبیین دیگر برای ملک منصب بودن خمس این است که نصف خمس برای امام علیه السلام است و ایشان هر طور صلاح بدانند، می‌توانند از آن استفاده کنند و نصف دیگر برای سادات است؛ در حالی که مقدار خمس، بسیار بیشتر از نیاز آن‌ها است؛ چون بر خلاف زکات که در اموال خاصی واجب است، خمس در بسیاری از اموال واجب است. از طرف دیگر، تعلق نصف خمس به سادات موجب ایجاد تعدادی از افراد ثروتمند می‌شود که بدون زحمت این پول‌ها را دریافت کرده و مصرف می‌کنند که به یک تعبیر، این نحو از تقسیم مال، ظلم و تبعیض است و به تعبیر دیگر، ایجاد فاصله طبقاتی است. این تبعات و آثار که مترتب بر ملک شخصی بودن خمس است، قرینه خواهد بود که خمس، ملک شخصی نیست، بلکه ملک منصب امام علیه السلام و حکومت است. البته با توجه به اینکه استفاده از زکات برای سادات حرام است، بر حکومت اسلامی لازم است که ابتدا سادات را تأمین کند و در صورت اضافه آمدن خمس از نیاز سادات، بر حکومت اسلامی جایز خواهد بود که خمس را در هر جایی که صلاح می‌داند، صرف کند.^۱ بنابراین اگرچه در بدو امر، با در نظر گرفتن استفاده شدن از لام در آیه شریفه و روایاتی که تقسیم خمس به شش قسم را مطرح کرده‌اند، به نظر می‌رسد که خمس ملک اصناف ذکر شده است، اما با توجه به قرائن ذکر شده، از این ظهور رفع ید شده و ملکیت خمس برای منصب امامت و حکومت اسلامی اختیار می‌گردد و طبیعتاً یتیمان، مساکین و ابناء السبیل نیز نسبت به خمس دارای سهم نخواهند بود، بلکه صرفاً مصرف آن هستند.

مناقشه

در نظریه دوم، ظهور ادله در ملکیت اشخاص پذیرفته شده و سپس به جهت وجود قرائن، از این ظهور رفع ید شده است؛ لذا اگر قرائن ذکر شده، پاسخ داده شود، باید به همان ظهور اولی ادله در ملکیت اشخاص اخذ شود. نسبت به روایتی که خمس را وجه الأماره دانسته، همان طور که در مباحث پیشین ذکر شد، می‌توان گفت: اساساً روایت بودن آن ثابت نیست و ممکن است از مطالب نعمانی بوده باشد؛ لذا قابل استناد نیست. پاسخ از روایات دالّ بر به ارث نرسیدن خمس به ورثه امام نیز این چنین است که ممکن است خمس، ملک شخصی امام علیه السلام بوده و در عین حال، ادله ارث تخصیص خورده باشند؛ کما اینکه جبهه ملک شخصی هر فرد است، اما ادله ارث تخصیص خورده و صرفاً به پسر بزرگ او می‌رسد. درباره مرسله حماد نیز که بر بازگشت مقدار مازاد به والی دلالت دارد، پاسخ این است که بازگشت مال به والی، به معنای مالکیت حکومت نیست، بلکه با توجه به اینکه نصف خمس متعلق به امام علیه السلام و نصف دیگر ملک سادات است، بر والی لازم است که این تقسیم را انجام دهد و نظارت داشته باشد که به هر یک از افراد، به مقدار نیاز سالیانه او داده شود؛ چون تعلق خمس به یتیمان، مساکین و ابناء السبیل این چنین نیست که تمامی اموالی که به عنوان خمس جمع آوری شده است، تقسیم شده و حتی مازاد بر نیاز سالانه پرداخت گردد، بلکه صرفاً به میزان نیاز پرداخت می‌شود؛ لذا در صورتی که مازاد بر نیاز باشد، در اختیار والی قرار می‌گیرد. از طرف دیگر بازگشت اموال به والی، لزوماً به معنای مالک شدن او نیست، بلکه ممکن است نگهداری کردن آن برای دفعات بعد و زمان‌های دیگر لازم باشد. البته بر این مطلب دلالتی در روایت وجود ندارد، اما نکته مهم این است که احتمال این مطلب هم وجود دارد.

۱. این تقریب در کلام مرحوم آقای منتظری ذکر شده است.



پاسخ از ادعای ظلم و تبعیض و ایجاد اختلاف طبقاتی نیز این است که طرح این مطالب در صورتی ممکن است که مالک خمس و متصدی امر آن، غیر معصوم باشد. اما در صورتی که مالک، امام معصوم علیه السلام باشد، حتی اگر کل دنیا نیز تحت ملکیت ایشان باشد، هیچ مشکلی به وجود نخواهد آمد و ایشان اموال را در مصلحت اسلام و مسلمین صرف خواهد کرد. به تعبیر دیگر با توجه به عصمت امام علیه السلام، علم وجود دارد که اسراف نخواهند کرد. در نتیجه اساساً استفاده از تعبیر «ظلم و تبعیض» و «فاصله طبقاتی» در ارتباط با ائمه علیهم السلام، متناسب با شأن ایشان نیست. این مطلب نسبت به نصف خمس که ملک معصوم علیه السلام است، قابل اشاره است. نسبت به سهم سادات نیز فرض این است که تقسیم آن توسط معصوم علیه السلام صورت می‌گیرد و به آن‌ها به مقدار نیاز آن‌ها پرداخت می‌شود؛ چون نکته حائز اهمیت این است که آن‌ها به سوی مساوی مالک خمس نیستند، بلکه ملکیت آن‌ها از خمس، به مقدار کفاف آن‌ها است؛ یعنی از خمس، مقداری به یتیمان و مساکین پرداخت می‌شود که بتوانند زندگی خود را در حدّ شأن‌شان اداره کنند؛ کما اینکه در باب زکات نیز این چنین نیست که به اندازه‌ای پرداخت شود که فقرا ثروتمند گردند، بلکه به میزان نیاز سالیانه پرداخت می‌شود. به ابناء السبیل نیز به مقدار رسیدن به وطن پرداخت می‌شود و بعد از رسیدن به وطن، دیگری سهمی از خمس نخواهند داشت.

بنابراین ادعای تبعیض و اختلاف طبقاتی، صرف استحسان است که نباید بر اساس آن در احکام شرعی عمل شود، بلکه باید از ظهور ادله تبعیت شود که استفاده از حرف لام، موجب ظهور در ملک شخصی است. البته همان طور که بیان گردید، تقسیم به صورت مساوی صورت نمی‌گیرد، بلکه بر اساس نیاز است و حکومت اسلامی نظارت خواهد داشت که این مطلب رعایت گردد. مطلب دیگر این است که ادعای مالکیت منصب، با تعبیر «لله» سازگار نیست؛ چون وقتی بنا است که خمس وحدانی باشد و ملک شخصی هم نباشد، باید درباره خدای متعال نیز منصب در نظر گرفته شود، در حالی که خداوند متعال دارای منصب، از قبیل منصب ریاست یا الوهیت نیست و اساساً چنین ادعایی بی معنا است. علاوه بر اینکه حمل «للسول» نیز بر مالکیت منصب، اشکال ایجاد می‌کند؛ چون بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، رسالت به پایان رسیده و دیگر منصب رسالت وجود ندارد؛ لذا دیگر نباید سهمی برای منصب رسالت باقی مانده باشد؛ کما اینکه در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، منصب امامت وجود نداشته است. بنابراین خمس، ملک منصب نیست، بلکه شخص خداوند متعال، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ذی القربی که منحصر در امیرالمؤمنین علیه السلام است، مالک هستند. البته در روایات، از جمله روایت زکریا بن مالک جعفری مطرح شده است که سهم خدای متعال، فی سبیل الله مصرف می‌شود و سهم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز به اقارب او می‌رسد. هر چند این مطلب مورد فتوای فقها نیست و روایت را به نحو دیگری معنا می‌کنند، اما به هر حال هر چه باشد، ملکیت منصب نفی می‌شود.

مطلب پایانی این است که حمل یتیمان، مساکین و ابناء السبیل بر مصرف بودن، خلاف ظاهر آیه است؛ چون اگرچه یتامی، مساکین و ابن السبیل دارای لام نیستند، اما در آیه شریفه از حرف عطف استفاده شده که موجب می‌شود حرف لام بر سر همه موارد عطف شده وجود داشته باشد و لذا باید ذیل آیه نیز به صورت «للیتامی و للمساکین و لابن السبیل» معنا شود.

با توجه به همه مطالب ذکر شده، مشخص می‌شود که مبنای دوم که مدعی ملک منصب بودن خمس شده، نادرست است و نظریه صحیح، همان نظریه مشهور است که خمس، ملک شش گروه ذکر شده در آیه شریفه است. البته همان طور که توضیح داده شد، تقسیم خمس به صورت مساوی در بین شش گروه نیست؛ خصوصاً در ارتباط با یتیمان، مساکین و ابناء السبیل که پرداخت خمس به آن‌ها، منوط به صدق عناوین ذکر شده است و ممکن است نسبت به افراد مختلف، تفاوت داشته باشد. به تناسب حکم و موضوع



جلسه: ۱۱۵
تاریخ: ۱۴۰۴/۱۰/۱۶

درس: نظام اقتصادی اسلام
موضوع: منابع مالی حکومت اسلامی
استاد: علی عندلیبی دام ظلّه

و با توجه به برخی از روایات، امام علیه السلام و ولیّ امر، اختیار دارند که هر طور صلاح می‌دانند، خمس را تقسیم کنند. در این زمینه به عنوان نمونه، به صحیححه احمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی اشاره می‌شود که در آن آمده است:

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ الرِّضَاعِ قَالَ: سُئِلَ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَى - فَقِيلَ لَهُ فَمَا كَانَ لِلَّهِ فَلَمَنْ هُوَ فَقَالَ لِرَسُولِ اللَّهِ ص - وَمَا كَانَ لِرَسُولِ اللَّهِ ص فَهُوَ لِلْإِمَامِ فَقِيلَ لَهُ أَرَأَيْتَ إِنْ كَانَ صِنْفٌ مِنَ الْأَصْنَافِ أَكْثَرَ وَصِنْفٌ أَقَلٌّ مَا يُصْنَعُ بِهِ قَالَ ذَلِكَ إِلَى الْإِمَامِ أَرَأَيْتَ رَسُولَ اللَّهِ ص كَيْفَ يَصْنَعُ أَلَيْسَ إِنَّمَا كَانَ يُعْطِي عَلَى مَا يَرَى كَذَلِكَ الْإِمَامُ.^۱

در این روایت بعد از اشاره به در اختیار امام بودن سهم خدای متعال و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، راوی سؤال کرده است که اگر گروهی کمتر و گروهی بیشتر باشند، چگونه عمل می‌شود؟ امام علیه السلام فرموده اند: این مسئله در اختیار امام علیه السلام است. همان طور که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بر اساس آنچه صلاح می‌دانسته‌اند، عمل می‌کردند، امام علیه السلام نیز این چنین است و طور صلاح بدانند، تقسیم خواهد کرد.

بنابراین این چنین نیست که لزوماً نصف خمس به یتیمان، مساکین و ابناء السبیل داده شود تا موجب اختلاف طبقاتی گردد. نسبت به امام علیه السلام نیز به جهت عصمت ایشان روشن است که چنین تبعاتی به دنبال ندارد.

ولایت امام علیه السلام بر عدم اعطای خمس

تاکنون روشن شد که یتیمان، مساکین و ابناء السبیل در خمس، دارای سهم هستند و تقسیم آن در اختیار امام علیه السلام است؛ لذا خمس از آن اموال شخصی نیست که امام نتواند تصرف انجام دهد. اما ولایت و اختیار امام علیه السلام محدود به تقسیم سهم یتیمان، مساکین و ابناء السبیل نیست، بلکه روایات متعدد وجود دارد که امام علیه السلام می‌تواند اساساً سهم یتیمان، مساکین و ابناء السبیل را به آن‌ها ندهد. یک دسته از روایات دالّ بر این مطلب، روایاتی است که بر تحلیل خمس توسط ائمه علیهم السلام دلالت دارند؛ یعنی امام علیه السلام سهم صاحبان خمس را به برخی از افراد که بر آن‌ها پرداخت خمس واجب بوده، بخشیده‌اند. این بخشش نیز به دو صورت انجام گرفته است. در یک صورت، امام علیه السلام صرفاً نسبت به اشخاص خاصی، خمس را بخشیده و از آن‌ها دریافت نکرده است و در صورت دیگر، خمس به صورت کلی در یک برهه زمانی، بر کل شیعیان تحلیل شده و از آن‌ها دریافت نشده است؛ در حالی که یتیمان، مساکین و ابناء السبیل، دارای سهم بوده‌اند. بنابراین روشن می‌شود که امام علیه السلام نسبت به اصل خمس نیز صاحب اختیارند. برای روشن شدن این مطلب، به چند روایت اشاره می‌شود که در مجموع مستفیضه هستند و ضعف سند در آن‌ها مشکلی ایجاد نمی‌کند. هر چند برخی از آن‌ها نیز از سند معتبر برخوردار هستند.

روایت اول: روایت عبدالله بن سنان

مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ الْحَضَرَمِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع عَلَى كُلِّ امْرِيٍّ غَنِمٍ أَوْ اكْتَسَبَ الْخُمُسُ مِمَّا أَصَابَ



جلسه: ۱۱۵
تاریخ: ۱۴۰۴/۱۰/۱۶

درس: نظام اقتصادی اسلام
موضوع: منابع مالی حکومت اسلامی
استاد: علی عندلیبی دام ظلّه

لِفَاطِمَةَ ع- وَلِمَنْ يَلِي أَمْرَهَا مِنْ بَعْدِهَا مِنْ ذُرِّيَّتِهَا الْحُجَجَ عَلَى النَّاسِ فَذَلِكَ لَهُمْ خَاصَّةٌ يَضَعُونَهُ حَيْثُ شَاءُوا وَحُرِّمَ عَلَيْهِمُ الصَّدَقَةُ حَتَّى الْخِيَاطُ يَخِيطُ قَمِيصاً بِخُمْسَةِ دَوَانِيقَ فَلَنَا مِنْهُ دَانِقٌ إِلَّا مَنْ أَحْلَلْنَاهُ مِنْ شِيعَتِنَا- لِطَيْبٍ لَهُمْ بِهِ الْوِلَادَةُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ شَيْءٍ عِنْدَ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْظَمَ مِنَ الزَّنا إِنَّهُ لَيَقُومُ صَاحِبُ الْخُمْسِ فَيَقُولُ يَا رَبِّ سَلْ هَؤُلَاءِ بِمَا أُبِيحُوا.^۱

در این روایت مطرح شده که خمس در اختیار ذریّه حضرت زهرا سلام الله علیها است. هر جا بخواهند قرار می دهند و بر آن ها صدقه حرام شده است. حتی اگر خیاطی، پنج دانق برای خیاطی دریافت می کند، یک دانق برای ائمه علیهم السلام است؛ الا کسانی که ما بر آن ها حلال کردیم تا ولادت آن ها پاکیزه باشد.

تحلیل خمس در چند بخش صورت گرفته است. این روایت در خصوص پول هایی است که در آن ها خمس وجود داشته و صرف در نکاح شده است. نسبت به خمس این پول ها تحلیل صورت گرفته تا شیعیان از طهارت مولد برخوردار گردند. بنابراین روایت، فی الجمله بر تحلیل خمس دلالت دارد.

البته سند روایت به جهت عبدالله بن قاسم حضرمی دچار اشکال است.

روایت دوم: روایت محمد بن مسلم

وَ عَنْهُ [مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ] عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ صَبَّاحِ الْأَزْرَقِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا ع قَالَ: إِنَّ أَشَدَّ مَا فِيهِ النَّاسُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ- أَنْ يَقُومَ صَاحِبُ الْخُمْسِ فَيَقُولَ يَا رَبِّ خُمُسِي وَقَدْ طَيَّبْنَا ذَلِكَ لِشِيعَتِنَا لِطَيْبٍ وَلَا دَنُتْهُمْ وَلَا تَزَكُوا أَوْلَادُهُمْ.^۲

بر اساس این روایت، از سخت ترین مصائب روز قیامت، قیام صاحبان خمس و مطالبه سهم خود از خداوند متعال است. اما امام باقر یا صادق علیه السلام بیان کرده است که ما خمس را به شیعیان خود حلال کرده ایم تا ولادت آن ها پاکیزه باشد.

این روایت برای تحلیل کلی و دائمی خمس مورد استناد قرار گرفته است که باید در محل خود مورد بررسی قرار گیرد. اما حداقل این است که بر تحلیل خمس به صورت فی الجمله دلالت دارد.

روایت سوم: روایت حکیم

وَ [مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ] بِإِسْنَادِهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ يُوسُفَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ عَبْدِ الصَّمَدِ بْنِ بَشِيرٍ عَنْ حُكَيْمٍ مُؤَدِّنِ بَنِي عَيْسٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قُلْتُ لَهُ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَأَنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ- قَالَ هِيَ وَاللَّهُ الْإِفَادَةُ يَوْمَ بَيْتِمْ إِلَّا أَنَّ أَبِي جَعَلَ شِيعَتَنَا مِنْ ذَلِكَ فِي حِلٍّ لَيَزَكُوا.^۳

۱. وسائل الشیعة ۹: ۵۰۳-۵۰۴.

۲. وسائل الشیعة ۹: ۵۴۵.

۳. وسائل الشیعة ۹: ۵۴۶.



جلسه: ۱۱۵
تاریخ: ۱۴۰۴/۱۰/۱۶

درس: نظام اقتصادی اسلام
موضوع: منابع مالی حکومت اسلامی
استاد: علی عندلیبی دام ظلّه

در این روایت امام صادق علیه السلام فرموده است: در فایده‌هایی که هر روز به دست آورده می‌شود، خمس وجود دارد، اما پدرم امام باقر علیه السلام شیعیان را نسبت به آن در حلیت قرار داده است تا پاکیزه باشند. بر اساس این روایت، تعبیر «غنیمت»، به معنای فایده‌ای است که روزانه برای اشخاص ایجاد می‌شود و لذا کاسب‌هایی که روزانه کاسبی می‌کنند و سود به دست می‌آورند، مشمول آن هستند. این روایت از روایت‌هایی است که غنیمت را به معنای اعم معنا کرده است.

روایت چهارم: روایت مسمع بن عبدالمملک

و[مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ] بِإِسْنَادِهِ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ أَبِي سَيَّارٍ مَسْمَعٍ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ فِي حَدِيثٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ إِنِّي كُنْتُ وَلِيْتُ الْغُوصَ فَأَصَبْتُ أَرْبَعِمِائَةَ أَلْفٍ دِرْهَمٍ وَقَدْ جِئْتُ بِخُمُسِهَا ثَمَانِينَ أَلْفَ دِرْهَمٍ وَكَرِهْتُ أَنْ أَحْبِسَهَا عَنْكَ وَأَعْرِضَ لَهَا وَهِيَ حَقُّكَ الَّذِي جَعَلَ اللَّهُ تَعَالَى لَكَ فِي أَمْوَالِنَا فَقَالَ وَمَا لَنَا مِنَ الْأَرْضِ وَمَا أَخْرَجَ اللَّهُ مِنْهَا إِلَّا الْخُمُسُ يَا أَبَا سَيَّارٍ الْأَرْضُ كُلُّهَا لَنَا فَمَا أَخْرَجَ اللَّهُ مِنْهَا مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ لَنَا قَالَ قُلْتُ: لَهُ أَنَا أَحْمِلُ إِلَيْكَ الْمَالَ كُلَّهُ فَقَالَ لِي يَا أَبَا سَيَّارٍ قَدْ طَيَّبْنَا لَكَ وَحَلَّلْنَاكَ مِنْهُ فَضَمَّ إِلَيْكَ مَالَكَ وَكُلُّ مَا كَانَ فِي أَيْدِي شِيعَتِنَا مِنَ الْأَرْضِ فَهُمْ فِيهِ مُحَلَّلُونَ وَ مُحَلَّلٌ لَهُمْ ذَلِكَ إِلَى أَنْ يَقُومَ قَائِمُنَا - فَيَجْبِيهِمْ طَسُقُ مَا كَانَ فِي أَيْدِي سَوَاهِمُ فَإِنْ كَسَبَهُمْ مِنَ الْأَرْضِ حَرَامٌ عَلَيْهِمْ حَتَّى يَقُومَ قَائِمُنَا - فَيَأْخُذَ الْأَرْضَ مِنْ أَيْدِيهِمْ وَيُخْرِجَهُمْ مِنْهَا صَغَرَةً^۱.

مسمع بن عبدالمملک خمس در آمد خود که هشتاد هزار درهم بوده را خدمت امام صادق علیه السلام عرضه می‌کند و آن مقدار را حق امام علیه السلام می‌داند. امام علیه السلام ابتدا به او فرموده است که حق ایشان صرفاً یک پنجم نیست، بلکه کل زمین متعلق به ایشان است، اما در ادامه همه آن اموالی که در اختیار شیعیان بوده را بر آن‌ها حلال قرار داده است.

روایت پنجم: روایت حارث بن مغیره نضری

و[مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ] بِإِسْنَادِهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ حَكِيمٍ عَنْ عَبْدِ الْكَرِيمِ بْنِ عَمْرٍو الْخَنْعَمِيِّ عَنِ الْحَارِثِ بْنِ الْمُغِيرَةِ النَّضْرِيِّ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ عَ فَبَجَلَسْتُ عِنْدَهُ فَإِذَا نَجِيَّةٌ قَدْ اسْتَأْذَنَ عَلَيْهِ فَأَذِنَ لَهُ فَدَخَلَ فَجَثَا عَلَى رُكْبَتَيْهِ ثُمَّ قَالَ جُعِلَتْ فِدَاكَ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أَسْأَلَكَ عَنْ مَسْأَلَةٍ وَاللَّهِ مَا أُرِيدُ بِهَا إِلَّا فَكَأَنَّكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ فَكَأَنَّهُ رَقَّ لَهُ فَاسْتَوَى جَالِساً فَقَالَ يَا نَجِيَّةُ سَلْنِي فَلَا تَسْأَلْنِي عَنْ شَيْءٍ إِلَّا أَخْبَرْتُكَ بِهِ قَالَ جُعِلَتْ فِدَاكَ مَا تَقُولُ فِي فَلَانٍ وَفُلَانٍ قَالَ يَا نَجِيَّةُ إِنَّ لَنَا الْخُمُسَ فِي كِتَابِ اللَّهِ - وَلَنَا الْأَنْفَالُ وَلَنَا صَفْوُ الْمَالِ وَهُمَا وَاللَّهِ أَوَّلُ مَنْ ظَلَمْنَا حَقَّنَا فِي كِتَابِ اللَّهِ - إِلَى أَنْ قَالَ اللَّهُمَّ إِنَّا قَدْ أَحْلَلْنَا ذَلِكَ لِشِيعَتِنَا قَالَ ثُمَّ أَقْبَلَ عَلَيْنَا بَوَّجَهُ فَقَالَ يَا نَجِيَّةُ مَا عَلَى فِطْرَةِ إِبْرَاهِيمَ غَيْرُنَا وَغَيْرِ شِيعَتِنَا^۲.

شخصی به نام نجیه، به خدمت امام باقر علیه السلام رسیده و سؤالاتی از ایشان می‌پرسد و امام علیه السلام در پاسخ او می‌فرماید: خمس، انفال و صفو المال برای ما است و آن دو نفر، اولین کسانی بودند که بر ما نسبت به حقی که در کتاب خدا داشتیم، ظلم کردند. در ادامه، امام علیه السلام تصریح می‌کنند که حق خود را به شیعیان حلال کرده‌اند.

۱. وسائل الشیعة ۹: ۵۴۸.

۲. وسائل الشیعة ۹: ۵۴۹.



جلسه: ۱۱۵
تاریخ: ۱۴۰۴/۱۰/۱۶

درس: نظام اقتصادی اسلام
موضوع: منابع مالی حکومت اسلامی
استاد: علی عندلیبی دام ظلّه

روایت ششم: صحیحہ زراره

مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ فِي الْعِلَلِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ عَنِ الصَّفَّارِ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ أَنَّهُ قَالَ: إِنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَ حَلَّلَهُمْ مِنَ الْخُمْسِ يَعْنِي الشَّيْعَةَ لِيَطِيبَ مَوْلَدُهُمْ.^۱

امام باقر علیه السلام نقل کرده که امیرالمؤمنین علیه السلام خمس را بر شیعیان حلال کرده است.

روایت هفتم: توقیع اسحاق بن یعقوب

و فِي كِتَابِ إِكْمَالِ الدِّينِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَصَامٍ الْكَلْبِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَعْقُوبَ الْكَلْبِيِّ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ يَعْقُوبَ فِيمَا وَرَدَ عَلَيْهِ مِنَ التَّوْقِيعَاتِ بِخَطِّ صَاحِبِ الزَّمَانِ عَ أَمَّا مَا سَأَلْتَ عَنْهُ مِنْ أَمْرِ الْمُنْكَرِينَ لِي إِلَى أَنْ قَالَ وَ أَمَّا الْمُتَلَبِّسُونَ بِأَمْوَالِنَا فَمَنْ اسْتَحَلَّ مِنْهَا شَيْئًا فَأَكَلَهُ فَإِنَّمَا يَأْكُلُ النَّيْرَانَ وَ أَمَّا الْخُمْسُ فَقَدْ أُبِيحَ لِشِيعَتِنَا وَ جُعِلُوا مِنْهُ فِي حِلٍّ إِلَى أَنْ يَظْهَرَ أَمْرُنَا لِيَطِيبَ وَلَا دَثُّهُمْ وَ لَا تَخْبَثَ.^۲

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در توقیع خود، به صراحت به اباحه خمس بر شیعیان اشاره کرده‌اند.

روایت هشتم: مرسله فیض بن ابی شبیه

الْعِيَّاشِيُّ فِي تَفْسِيرِهِ عَنْ فَيْضِ بْنِ أَبِي شَيْبَةَ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ قَالَ: إِنَّ أَشَدَّ مَا فِيهِ النَّاسُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ - إِذَا قَامَ صَاحِبُ الْخُمْسِ فَقَالَ يَا رَبِّ خُمُسِي وَإِنَّ شِيعَتَنَا مِنْ ذَلِكَ فِي حِلٍّ.^۳

با توجه به روایات ذکر شده، روشن می‌شود اگرچه نصف خمس ملک یتیمان، مساکین و ابناء السبیل است، اما امام علیه السلام صاحب اختیار آن است، به حدی که می‌تواند به صورت کلی آن را بخشیده و چیزی دریافت نکند. البته اینکه ائمه علیهم السلام خمس تمامی اموال شیعیان را بخشیده‌اند و یا خصوص خمس در اموالی که از اهل سنت به دست شیعیان می‌رسیده، را بخشیده‌اند، محل بحث است، همچنان که موقت یا دائمی بودن این بخشش نیز از مباحثی است که باید مورد بررسی قرار گیرد، اما این مباحث خارج از بحث حاضر هستند، اما به هر حال این دسته از روایات دلالت دارند که ائمه علیهم السلام دارای این حد از ولایت و اختیار هستند که می‌توانند کل خمس را ببخشند.

دسته دیگر از روایات نیز وجود دارد که بر اختیار داشتن امام علیه السلام نسبت به تقسیم خمس دلالت دارند؛ یعنی این چنین نیست که خود مردم بتوانند به صورت مستقل اقدام به تقسیم خمس کنند، بلکه باید خمس را تحویل امام علیه السلام دهند و امام علیه السلام هر طور که صلاح بدانند، تقسیم خواهند کرد. در این زمینه به تعدادی از روایات اشاره می‌شود.

روایت اول: صحیحہ بزندی

۱. وسائل الشیعة ۹: ۵۵۰.

۲. وسائل الشیعة ۹: ۵۵۰.

۳. وسائل الشیعة ۹: ۵۵۴.



جلسه: ۱۱۵
تاریخ: ۱۴۰۴/۱۰/۱۶

درس: نظام اقتصادی اسلام
موضوع: منابع مالی حکومت اسلامی
استاد: علی عندلیبی دام ظلّه

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ الرِّضَاعِ قَالَ: سُئِلَ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَى - فَقِيلَ لَهُ فَمَا كَانَ لِلَّهِ فَلَمَنْ هُوَ فَقَالَ لِلرَّسُولِ وَاللَّهُ ص - وَ مَا كَانَ لِلرَّسُولِ وَاللَّهُ ص فَهُوَ لِلْإِمَامِ فَقِيلَ لَهُ أَفَرَأَيْتَ إِنْ كَانَ صِنْفٌ مِنَ الْأَصْنَافِ أَكْثَرَ وَصِنْفٌ أَقَلٌّ مَا يُصْنَعُ بِهِ قَالَ ذَلِكَ إِلَى الْإِمَامِ أَرَأَيْتَ رَسُولَ اللَّهِ ص كَيْفَ يَصْنَعُ أَلَيْسَ إِنَّمَا كَانَ يُعْطِي عَلَى مَا يَرَى كَذَلِكَ الْإِمَامُ.^۱

همان طور که توضیح داده شد، بر اساس این روایت، با توجه به اینکه اصناف خمس زیاد و کم می شوند، اعطای خمس توسط پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام به نحوی است که صلاح می دانند.

روایت دوم: روایت زکریا بن مالک

مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ عَنْ زَكَرِيَّا بْنِ مَالِكٍ الْجُعْفِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَنَّهُ سَأَلَهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ - فَقَالَ أَمَّا خُمُسُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَلِلرَّسُولِ يَصْنَعُهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ أَمَّا خُمُسُ الرَّسُولِ فَلِأَقَارِبِهِ وَ خُمُسُ ذَوِي الْقُرْبَى فَهُمْ أَقْرَبَاؤُهُ وَ الْيَتَامَى يَتَامَى أَهْلِ بَيْتِهِ فَجَعَلَ هَذِهِ الْأَرْبَعَةَ أَسْهُمٍ فِيهِمْ وَ أَمَّا الْمَسَاكِينُ وَ ابْنُ السَّبِيلِ فَقَدْ عَرَفْتَ أَنَا لَا نَأْكُلُ الصَّدَقَةَ وَلَا تَحِلُّ لَنَا فِيهِ لِلْمَسَاكِينِ وَ أَبْنَاءِ السَّبِيلِ.^۲

در این روایت، درباره سهم خدای متعال از خمس بیان شده است که در اختیار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است و در راه خدای متعال به هر نحوی که صلاح بدانند، صرف خواهد کرد.

همان طور که روشن است، این روایت درباره کل خمس نیست و صرفاً نسبت به سهم خدای متعال، اختیار را به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اعطا کرده است.

روایت سوم: روایت ربیع بن عبدالله

وَ [مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ عَائِشَةَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ رَبِيعِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْجَارُودِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِذَا أَتَاهُ الْمَغْنَمُ أَخَذَ صَفْوَةً وَ كَانَ ذَلِكَ لَهُ ثُمَّ يَقْسِمُ مَا بَقِيَ خُمُسَةَ أَخْمَاسٍ وَ يَأْخُذُ خُمُسَهُ ثُمَّ يَقْسِمُ أَرْبَعَةَ أَخْمَاسٍ بَيْنَ النَّاسِ الَّذِينَ قَاتَلُوا عَلَيْهِ ثُمَّ قَسَمَ الْخُمُسَ الَّذِي أَخَذَهُ خُمُسَةَ أَخْمَاسٍ يَأْخُذُ خُمُسَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لِنَفْسِهِ ثُمَّ يَقْسِمُ الْأَرْبَعَةَ أَخْمَاسٍ بَيْنَ ذَوِي الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينِ وَ أَبْنَاءِ السَّبِيلِ يُعْطِي كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ حَقًّا وَ كَذَلِكَ الْإِمَامُ أَخَذَ كَمَا أَخَذَ الرَّسُولُ ص.^۳

۱. وسائل الشیعة ۹: ۵۱۹.

۲. وسائل الشیعة ۹: ۵۰۹.

۳. وسائل الشیعة ۹: ۵۱۰-۵۱۱.



جلسه: ۱۱۵
تاریخ: ۱۴۰۴/۱۰/۱۶

درس: نظام اقتصادی اسلام
موضوع: منابع مالی حکومت اسلامی
استاد: علی عندلیبی دام ظلّه

بر اساس این روایت، خود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خمس را تقسیم و سهم هر کسی را پرداخت می کرده است. در ادامه روایت نیز بیان شده است که امام علیه السلام نیز این چنین بوده است. بنابراین تقسیم خمس در اختیار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه بوده است.

این روایت به لحاظ سند صحیح است.

روایت چهارم: مرسله حماد

در مرسله حماد که روایت مفصلی است، بعد از اشاره به اینکه نصف خمس برای امام علیه السلام و نصف دیگر برای یتیمان، مساکین و ابناء السبیل است و بین آن‌ها به گونه‌ای که در آن سال بی نیاز گردند، تقسیم می شود، تعبیر «فَإِنْ فَضَّلَ عَنْهُمْ شَيْءٌ فَهُوَ لِلْوَالِي فَإِنْ عَجَزَ أَوْ نَقَصَ عَنِ اسْتِغْنَائِهِمْ كَانَ عَلَى الْوَالِي أَنْ يُنْفِقَ مِنْ عِنْدِهِ بِقَدْرِ مَا يَسْتَغْنُونَ بِهِ»^۱ به کار رفته است که دلالت بر صاحب اختیار بودن والی دارد و این چنین نیست که امکان داشته باشد که مستقیماً سهم یتیمان، مساکین و ابناء السبیل به آن‌ها پرداخت شود.

روایت پنجم: مرسله وراق

و[مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ] بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَسَارٍ عَنْ يَعْقُوبَ عَنِ الْعَبَّاسِ الْوَرَّاقِ عَنْ رَجُلٍ سَمَّاهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: إِذَا غَزَا قَوْمٌ بِغَيْرِ إِذْنِ الْإِمَامِ فَغَنِمُوا كَلَنْتِ الْغَنِيمَةُ كُلُّهَا لِلْإِمَامِ وَإِذَا غَزَوْا بِأَمْرِ الْإِمَامِ فَغَنِمُوا كَانَ لِلْإِمَامِ الْخُمْسُ.^۲

در این روایت نسبت به غنیمت‌های به دست آمده در جنگ‌های با اذن امام علیه السلام بیان شده است که خمس غنیمت برای امام علیه السلام خواهد بود. از طرف دیگر بنا بر این است که خمس مشتمل بر شش سهم باشد. با کنار هم قرار دادن این دو مطلب، روشن می شود که کل خمس در اختیار امام علیه السلام است و ایشان باید سهم هر یک از اصناف را پرداخت کند.

روایت ششم: روایت سعید بن هبه الله راوندی

سَعِيدُ بْنُ هَبَةَ اللَّهِ الرَّائِدِيُّ فِي الْخَرَائِجِ وَ الْجَرَائِجِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْمُسْتَرِقِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمْدَانَ نَاصِرِ الدَّوْلَةِ عَنْ عَمِّهِ عَنِ الْحُسَيْنِ فِي حَدِيثٍ عَنْ صَاحِبِ الزَّمَانِ ع أَنَّهُ رَأَاهُ وَ تَحْتَهُ بَغْلَةٌ شَهْبَاءٌ وَ هُوَ مُتَعَمِّمٌ بِعِمَامَةٍ خَضِرَاءَ يُرَى مِنْهُ سَوَادُ عَيْنَيْهِ وَ فِي رِجْلِهِ خُفَّانِ حَمْرَاوَانِ فَقَالَ يَا حُسَيْنُ كَمْ تَرَزَّأُ عَلَى النَّاحِيَةِ- وَ لِمَ تَمْنَعُ أَصْحَابِي عَنْ خُمْسِ مَالِكَ ثُمَّ قَالَ إِذَا مَضَيْتَ إِلَى الْمَوْضِعِ الَّذِي تُرِيدُهُ تَدْخُلُهُ عَفْوًا وَ كَسَبْتَ مَا كَسَبْتَ تَحْمِلُ خُمْسَهُ إِلَى مُسْتَحِقِّهِ قَالَ فَقُلْتُ السَّمْعَ وَ الطَّاعَةَ ثُمَّ ذَكَرَ فِي آخِرِهِ أَنَّ الْعُمَرِيَّ آتَاهُ وَ أَخَذَ خُمْسَ مَالِهِ بَعْدَ مَا أَخْبَرَهُ بِمَا كَانَ.^۳

این روایت بسیار مفصل است و صاحب وسائل آن را به صورت کامل نقل نکرده است. برای توضیح درباره مفاد روایت می توان گفت: حسن بن عبدالله بن حمدان، نسبت به وجود داشتن امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف شک داشته است و این مطلب

۱. وسائل الشیعة ۹: ۵۲۰.

۲. وسائل الشیعة ۹: ۵۲۹.

۳. وسائل الشیعة ۹: ۵۴۲.



جلسه: ۱۱۵
تاریخ: ۱۴۰۴/۱۰/۱۶

درس: نظام اقتصادی اسلام
موضوع: منابع مالی حکومت اسلامی
استاد: علی عندلیبی دام ظلّه

را به عموی خود، حسین بن حمدان بیان می‌کند. حسین بن حمدان ذکر می‌کند که او نیز نسبت به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف شک داشته است، اما داستانی برای او رخ می‌دهد که آن را برای برادرزاده خود، حسن بن عبدالله بن حمدان نقل می‌کند. حسین بن حمدان از شیعیانی است که از حکام بنی عباس بوده و در حلب و موصل حکومت می‌کرده است. او به عنوان فرماندار، به طرف قم حرکت می‌کند و در بین راه، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را مشاهده می‌کند، در حالی که سوار بر استر و عمامه سبز بر سر داشته و در پای ایشان نیز دو کفش قرمز بوده و فقط چشمان مبارک حضرت معلوم بوده است. امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به حسین بن حمدان می‌فرماید: «چقدر بر ناحیه مقدسه ایراد می‌گیری؟ چرا اصحاب من را از خمس مال خود ممنوع می‌کنی؟» امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، به حسین بن حمدان بیان می‌کنند که هرچه کسب کردی، خمس آن را به مستحق بده، اما حسین بن حمدان بعد از وارد شدن در قم، کلام امام علیه السلام را فراموش می‌کند. زمانی که او از قم خارج می‌شده، پول‌های بسیاری زیادی همراه خود داشته است. بعد از بازگشت او، عمری که نماینده امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بوده، جهت دیدار او به خانه‌اش می‌رود و به او می‌گوید: قولی که به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف دادی را فراموش کرده‌ای؟ بعد از تذکر دادن عمری، حسین بن حمدان قول خود را به یاد می‌آورد و همه خمس اموال خود را به عمری می‌دهد. از این روایت نیز استفاده می‌شود که امام علیه السلام صاحب اختیار خمس هستند و طور بخواهند عمل خواهند کرد؛ چون اگر امام علیه السلام ولایت نداشتند، نباید حسین بن حمدان سهم یتیمان، مساکین و ابناء السبیل را هم تحویل می‌داد.

با توجه به روایات متعددی که ذکر شد، اگرچه جزئیاتی از آن‌ها نیازمند بحث و بررسی جداگانه‌ای است که باید در مجال مناسب انجام گیرد، اما این نتیجه گرفته می‌شود که در باب خمس، قول مشهور مبنی بر شش سهم بودن خمس و اختیار داشتن امام علیه السلام در تقسیم آن و یا عدم اعطای آن به صورت کلی، صحیح است. اصل این مطلب با اشکالی مواجه نیست. اما این بخش از نظر مشهور مبنی بر اینکه ولی فقیه نیز از این اختیار برخوردار است، با اشکال مواجه است؛ چون تعدی از امام معصوم علیه السلام به فقیه مشکل است. نسبت به سهم امام علیه السلام نیز وقتی ملک شخصی امام علیه السلام باشد، قطع به رضایت امام علیه السلام به صرف مال ایشان در موردی که فقیه صلاح می‌داند، ثابت نیست. بر فرض هم چنین قطعی برای فقیه ایجاد گردد، ملازمه‌ای بین قطع فقیه به رضایت امام علیه السلام و قطع کسی که خمس پرداخت می‌کند، وجود ندارد. از طرف دیگر رضایت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، حکم شرعی نیست که قابل فتوا دادن باشد، بلکه قضیه خارجی است و باید برای کسی که خمس پرداخت می‌کند، قطع به رضایت حاصل گردد و وقتی او قطع نداشته باشد، پرداخت آن به فقیه برای مصرف کردن در مورد او قطع به رضایت دارد، با اشکال مواجه است.

البته ممکن است این مشکل از این طریق حل گردد که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، نسبت به عملکرد فقها در عصر غیبت رضایت دارند. یکی از امارات رضایت ایشان نسبت به عملکرد فقها که یکی از آن‌ها دریافت خمس است، قضیه حاج علی بغدادی است. حاجی نوری با یک واسطه از حاج علی بغدادی نقل کرده است که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به او فرموده است که خمس خود را به وکلای ما پرداخت کرده‌ای. این کلام در حالی صادر شده است که حاج علی بغدادی خمس خود را به سه تن از فقهای نجف داده است. از این قضیه کشف می‌شود که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به نحوه مصرف کردن خمس توسط فقها رضایت داشته است.